

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲

صص ۹۱-۱۲۶

ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران

دکتر حسن ایزدی* - استادیار جغرافیا، دانشگاه شیراز

علی اکبر دبیری - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۲

چکیده

جغرافیای تروریسم به بررسی تأثیراتی که جغرافیا بر شکل‌دهی پدیده تروریسم در سطح فضاهای جغرافیایی دارد، می‌پردازد. در ایران نیز ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور به‌خصوص در مناطق مرزی و حاشیه‌ای تأثیر زیادی در شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی داشته است. این تأثیرگذاری در جنوب شرقی ایران بسیار حادث‌تر و عینی‌تر است. در واقع پاره‌ای از زمینه‌های جغرافیایی (طبیعی و انسانی) مانند: بنیادهای زیستی ضعیف، فاصله زیاد از مرکز سیاسی حکومت، وجود عوارض جغرافیایی وسیع، توسعه نامتوازن منطقه‌ای، تفاوت قومی - مذهبی با حکومت مرکزی، مرزی بودن و ضعف شبکه ارتباطی و ... به‌عنوان عوامل درون‌زا و تعدادی از عوامل ژئوپلیتیکی مانند: ویژگی‌های حکومت‌های همسایه، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و ژئوپلیتیک مواد مخدر به‌عنوان عوامل برون‌زا دارای بیشترین میزان اثرگذاری در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در جنوب شرقی کشور می‌باشند. در این مقاله تلاش شده است ضمن بررسی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی کشور، ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی در این منطقه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: تروریسم، گروهک‌های تروریستی، جغرافیای تروریسم، سیستان و بلوچستان، ایران.

۱- مقدمه

واژه تروریسم از کلمه ترور اخذ شده و به معنای ترس و وحشت شدید است. اعمال تروریستی مختلف با هدف ایجاد رعب و وحشت در گروهی از مردم و با انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی علیه منافع دولت و ملت معینی انجام می‌شود (Bozorgmehri, 2008: 23). شرایط جدید جهان امروز، موضوع تروریسم را به یک پدیده بین‌المللی و فرامرزی تبدیل کرده است (Luck, 2003: 1). آنچه تروریسم را از سایر اشکال خشونت‌آمیز متمایز می‌کند این است که تروریست‌ها به دنبال ایجاد ترس در میان حداکثر افراد هستند تا بدین وسیله بتوانند به اهدافشان برسند. به همین دلیل آنان به شکل نمادین اهداف خود را انتخاب می‌کنند تا هرچه بیشتر این اهداف در منظر عمومی بوده و بتواند توجه مخاطبین زیادتری را به خود جلب کند (Simbar, 2006: 150). تروریسم بویژه از آغاز ربع آخر قرن بیستم میلادی به شدت در جهان فراگیر شده است. بر اساس آمارهای وزارت امور خارجه ایالات متحده در فاصله سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۲ تقریباً ۸۰۰۰ اقدام تروریستی به ثبت رسیده است (Borine, 2005: 115). آمار دیگر نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ حدوداً ۴۱۵۵ رویداد تروریستی در سراسر دنیا اتفاق افتاده است که در طی آن ۳۲۰۷ نفر کشته شده اند (بدون احتساب حمله ۱۱ سپتامبر) که ۴۸ درصد تعداد کشته مربوط به حملات انتحاری بوده است (Pape, 2003: 343)؛ اما خشن‌ترین و وحشتناک‌ترین حملات تروریستی از سال ۲۰۰۰ به بعد اتفاق افتاده است، به طوری که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ حدود ۴۷۲ حمله تروریستی در ۲۲ کشور جهان رخ داده است که بیش از ۷ هزار کشته و ده‌ها هزار زخمی برجای گذاشته است. بروس هافمن^۱ از محققان تروریسم در موسسه تحقیقاتی «رند» دریافته است که ۸۰ درصد حملات انتحاری از سال ۱۹۶۸ به این طرف پس از ۱۱ سپتامبر رخ داده است (Hoffman, 2005: 24). بعد از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر که بزرگترین حمله تروریستی تاریخ لقب گرفت، بمب‌گذاری راه آهن مادرید در مارس ۲۰۰۴ مهمترین حمله تروریستی در اروپا بود که ۱۹۱ کشته و بیش از

1 - Bruce Hoffman

2 - Rand

۱۵۰۰ زخمی برجای گذاشت (www.infoplease.com). همچنین انفجارهای ۷ و ۲۱ ژوئیه سال ۲۰۰۵ در ۳ قطار و یک اتوبوس در لندن (۵۲ کشته)، سه بمب‌گذاری انتحاری در بالای اندونزی در اکتبر (۲۲ کشته)، حمله به سه هتل آمریکایی در امان پایتخت اردن (۵۷ کشته) از جمله مهمترین حملات تروریستی در سال ۲۰۰۵ می‌باشند (Ibid). آمارهای جدید نشان‌دهنده افزایش تعداد و قریانین حملات تروریستی است به طوری که تنها در سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۰۰۰۰ حمله تروریستی در ۷۰ کشور جهان به وقوع پیوسته که نتیجه آن بیش از ۱۲۵۰۰ کشته بوده است (NCTC, 2012:9). علاوه بر این حملات سازمان‌یافته تروریستی در کشورهای مختلف از جمله عراق، افغانستان، پاکستان، هند، ترکیه و عربستان در سالهای اخیر هزاران کشته و زخمی برجای گذاشته است. کشور ایران نیز بویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در معرض خشن‌ترین حملات تروریستی قرار گرفته است به طوری که می‌توان این کشور را یکی از قربانیان تروریسم در جهان دانست. بر اساس آمار موجود تنها در اثر حملات گروهک تروریستی مجاهدین خلق ایران (منافقین) بیش از ۱۶۰۰۰ نفر کشته شده‌اند (www.infoplease.com). علاوه بر این شکل‌گیری و فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی در سال‌های اخیر بویژه در نواحی حاشیه‌ای و مرزی خسارت جانی و مالی زیادی را بر ملت و دولت ایران وارد کرده است. یکی از مهمترین این گروه‌ها، گروهک تروریستی جندا... است که در نواحی جنوب شرقی کشور فعالیت می‌کند. مهمترین حملات تروریستی این گروه در جدول شماره ۱ به اختصار آورده شده است.

جدول شماره ۱: مهمترین حملات گروهک تروریستی جندالله

نام حمله	تاریخ حمله	محل حمله	نتایج حمله
حمله به پاسگاه مرزی گدار ناهوک سراوان	۱۳۸۴.۱۰.۷	منطقه سراوان	گروگان گرفتن ۸ سرباز مرزبان و رئیس پاسگاه، آزاد ساختن ۸ تن از سربازان و شهید شدن رئیس پاسگاه
حادثه تاسوکی	۱۳۸۴.۱۲.۲۵	منطقه تاسوکی	قتل ۲۲ تن از مسافران عبوری از محور زابل به زاهدان. آتش زدن ۶ خودروی متعلق به مسافران، اسارت عده‌ای نامعلوم از مسافران عبوری
جنایت دارزین*	۱۳۸۵.۲.۲۳	کیلومتر ۳۵ محور «بم - کرمان» در دو راهی «دارزین»	کشته شدن ۱۲ نفر از مسافران عبوری
حمله به اتوبوس حامل نیروهای سپاه پاسداران با خودروی حامل مواد منفجره	۱۳۸۵.۱۱.۲۵	بلوار ثارالله شهر زاهدان	کشته شدن ۱۳ نفر و زخمی شده ۳۰ تن دیگر از اعضای سپاه و مردم عادی
حمله به پاسگاه مرزی نگور	۱۳۸۵.۱۲.۸	منطقه نگور	قتل ۲ مامور مرزبانی و اسارت ۴ نفر دیگر و انتقال آنها به پاکستان
حمله به جمعی از پاسداران	۱۳۸۶.۴.۲۸	روستای دومک - منطقه کورین	۱۱ مامور سپاه پاسداران کشته و ۹ تن دیگر زخمی شدند
حمله به پاسگاه مرزی	۱۳۸۷.۳.۲۴	منطقه سراوان	گروگانگیری ۱۶ مامور مرزبانی و انتقال آنها به پاکستان، کشتن ۱۵ نفر و آزادی یک تن از آنها
بمب‌گذاری در مسجد علی ابن ابیطالب(ع)	۱۳۸۷.۷.۳	مسجد علی بن ابی طالب شهر زاهدان	کشته شدن ۲۵ نمازگزار و زخمی شدن ۱۲۰ تن دیگر
حمله انتحاری به صبحگاه مشترک نیروی انتظامی	۱۳۸۷.۱۰.۹	شهرستان سراوان	کشته شدن ۴ نفر از پرسنل نیروی انتظامی و مجروح شدن ۱۲ نفر دیگر
به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان سپاه	۱۳۸۸.۷.۲۶	نمایشگاه صنایع دستی	کشته شدن ۴۱ نفر شامل دو فرماندهی ارشد، ۲۱ نفر مردم عادی، سران قبایل و طوایف و فرماندهان سپاه
۲ حمله انتحاری به مسجد جامع زاهدان	۱۳۸۹.۴.۲۴	شهر زاهدان	کشته شدن ۲۷ نفر و زخمی شدن ۱۶۹ نفر دیگر
بمب‌گذاری در مراسم تاسوعا در چابهار	۱۳۸۹.۹.۲۴	چابهار	کشته شدن ۲۹ نفر

(www.aftabnews.ir and http://fa.wikipedia.org)

* گروهک تروریستی جندالله دست داشتن در این حمله تروریستی را به کلی رد کرده است.

با توجه به شکل‌گیری این پدیده در جنوب شرق کشور و تأثیر آن بر امنیت ملی، این مقاله با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی ابعاد جغرافیایی پدیده تروریسم در جنوب شرق کشور پرداخته است.

۲- مبانی نظری

تروریسم^۱: تاکنون هیچ تعریف جامع و مانعی از تروریسم که مورد توافق تمام کشورها و سازمان‌ها باشد ارائه نشده است. سازمان ملل و سایر سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی تنها توانسته‌اند بر روی بعضی از مصادیق تروریسم مانند: هواپیما ربایی، بمب‌گذاری و ... به توافق برسند (Motaghi and et al, 2009: 264). اما چیزی که مسلم است اعمال تروریستی دارای ویژگی‌های مانند: خشونت زیاد، ایجاد رعب و وحشت، ضربه زدن به مردم و حکومت مرکزی و همچنین اهداف سیاسی می‌باشند. در یک تعریف تروریسم را می‌توان به تروریسم شخصی و دولتی طبقه‌بندی کرد. تروریسم شخصی تروریستی است که از سوی اشخاص خصوصی یا به‌طور انفرادی یا توسط گروه‌های سازمان‌یافته با هدف ایجاد ترور و وحشت در طبقه خاصی از مردم و با انگیزه حمله به یک رژیم سیاسی یا دولت معین انجام می‌شود. در تروریسم دولتی، دولت با حمایت از گروه‌های تروریستی درصدد تأمین منافع سیاسی خود است و این حمایت بخشی از سیاست خارجی آن دولت را تشکیل می‌دهد (Karam zadeh, 2003: 168). در هر صورت تروریسم با هر شکل و عنوانی یکی از بزرگترین چالش‌های جهان در قرن ۲۱ به‌شمار می‌آید.

جغرافیای تروریسم^۲: جغرافیای تروریسم، ناظر به تأثیراتی است که جغرافیا بر شکل‌دهی پدیده تروریسم در سطح فضاها و جغرافیایی دارد. جغرافیای تروریسم مباحث مطالعاتی خاصی است که جغرافیای تاریخی و کنونی تروریسم را در مقیاس‌های متفاوت، نواحی مختلف، و برداشت‌ها و تفاسیر مختلف، ارزیابی می‌نماید (Susan, 2003: 11). مفهوم

¹ - Terrorism

² - Geography Terrorism

جغرافیای تروریسم در ادبیات ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی از سه منظر مورد مطالعه قرار گرفته است:

۱- تعریف تروریسم در رابطه با فضای جغرافیایی؛

۲- استفاده از رویکردهای جغرافیایی برای تشریح دقیق و پی‌بردن به مفهوم نواحی و مناطق تروریسم؛

۳- ارزیابی و مباحثه در رابطه با تهدیدات فردی، تعهدات شخصی و پاسخ جمعی با بسط معنی سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولتمردان (Ibid). در این مبحث به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ویژگی‌های جغرافیایی (طبیعی و انسانی) از پدیده تروریسم در یک فضای جغرافیایی مشخص پرداخته می‌شود.

نظریه بوم‌شناسی تروریسم: بوم‌شناسی تروریسم معمولاً به بررسی شرایط جدید و بی‌سابقه‌ای می‌پردازد که مدرنیزاسیون برای شکل‌گیری و فعالیت تروریسم فراهم کرده است (Segre and Adler, 1973: 155). طبق نظریه بوم‌شناسی، شرایط محیطی جدید، فعالیت تروریست‌ها را فوق‌العاده آسان کرده است (Kegley, 1990: 105). براین اساس ویلکینسون^۱ معتقد است افزایش تروریسم در نیمه دوم قرن ۲۰ تا حدودی مربوط به فرصت‌هایی است که فن‌آوری در اختیار تروریست‌ها قرار داده است و به‌همین دلیل آسیب‌پذیری جوامع در مقابل روش‌های تروریستی افزایش یافته است (Wilkinson, 2003: xv). کرینشیو^۲ نیز استدلال می‌کند که صنعتی شدن و شهرنشینی آسیب‌پذیری بیشتری برای جوامع در مقابل تروریست‌ها ایجاد کرده است (Crenshaw, 1981: 115). به‌همین دلیل جوامع مدرن صنعتی و شهری در حال حاضر تعداد زیادی از اهداف آسیب‌پذیر هستند (Engene, 2004: 289). بنابراین در بوم‌شناسی تروریسم به شرایط ایجاد‌کننده تروریسم پرداخته نمی‌شود بلکه به شرایط تسهیل‌کننده و گسترش‌دهنده آن توجه می‌شود (Bryniar, 2004: 41).

تبیین روانشناختی از تروریسم: کار عمده در این رویکرد تشخیص این مسئله است که اولاً

¹ - Wilkinson

² - Crenshaw

چرا افراد به گروه‌های تروریستی می‌پیوندند؟ و دوم چرا در این گروه‌ها باقی می‌مانند؟ (Crenshaw, 1981: 125). از جمله پرسش‌های که در این رویکرد صورت می‌پذیرد می‌توان به مواردی مانند: تروریست‌ها چه کسانی هستند؟ آیا آنها شخصیت خاص تروریستی دارند؟ انگیزه شخصی افراد برای اعمال تروریستی چیست؟ چه مکانیسم روانی برای تعامل این گروه‌ها وجود دارد؟ اشاره کرد. پژوهش‌های روانشناختی در زمینه تروریسم را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته تقسیم کرد: ۱- تئوری آسیب‌پذیری روانی که به بررسی ویژگی‌های روانی فرد در اعمال تروریستی می‌پردازد ۲- تئوری جامعه‌شناسی روانی که به بررسی شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه بر رفتار تروریستی توجه دارد (Ibid).

نظریه محرومیت نسبی: دولارد^۱ و همکارانش برای اولین بار فرضیه‌ای که رفتار پرخاشگرانه در ناامیدی سرچشمه می‌گیرد را مطرح کردند. دیوس^۲ اظهار می‌کند که تنش‌های شکل گرفته بر اساس درک محرومیت نسبی زمینه‌ای برای شرکت در خشونت‌های مدنی را فراهم می‌کند. این محرومیت در نهایت به تعرض علیه حکومت مرکزی می‌انجامد. علاوه بر این یک مطالعه جدید نشان داده است که ادغام اقتصادی در کشورهای دموکراتیک و پردرآمد تأثیر معنی داری بر تروریسم بین‌المللی داشته است (Blomberg, 2004: 496). جای هیچ تردیدی نیست که میان خشونت و عقب‌افتادگی اقتصادی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. فقر بالای حال هرگونه حکومت است و فقر عامل ناپایداری و بی‌ثباتی است (Huntington, 1991:17). البته محرومیت که زمینه‌ساز فعالیت‌های خشونت‌آمیز است تنها جنبه اقتصادی ندارد و سایر بخش‌های سیاسی، فرهنگی، شهروندی و غیره را نیز در بر می‌گیرد.

نظریه سرایت از تروریسم: تحقیقات مهمی در زمینه تروریسم، این پدیده را شبیه به یک بیماری مسری قلمداد کرده‌اند. تعدادی از مطالعات نشان می‌دهد که وقوع حملات تروریستی تصادفی نبوده و روند روشنی از وجود موج‌ها در حملات تروریستی مشاهده می‌شود. وجود سطح بالایی از حملات تروریستی در یک زمان مشخص نشان دهنده آن است که تصمیم از

^۱ - Dullard

^۲ - Davis

سوی گروه‌های تروریستی برای راه‌اندازی یک حمله تحت تأثیر حملات مشابه در سایر نقاط جهان قرار دارد (Bryniar, 2004: 19). ویومن و برویس^۱ مدارک مستندی را در مورد سرایت با توجه به زمان حملات تروریستی جمع‌آوری کرده‌اند (Weimann and Bernd Brosius, 2004: 500). نظریه سرایت نیز به این امر اشاره دارد که مشاهده پدیده‌های تروریستی با سطوح بالا در یک کشور اغلب با افزایش حوادث تروریستی در کشورهای همسایه و منطقه ارتباط دارد (Crenshaw, 1983, 15). همچنین فرایند سرایت ممکن است در سرتاسر یک کشور به‌راه انداخته شود و در نتیجه پدیده تروریسم از نقطه شروع به دیگر مناطق با شرایط مختلف سرایت پیدا کند (Crenshaw, 2005: 13). علاوه بر این بسیاری از تکنیک‌های تروریستی نیز از نظریه سرایت پیروی می‌کنند و ارتباط بین گروه‌های تروریستی نیز در این چهارچوب قرار دارد.

ویژگی‌های نظام بین‌الملل و تروریسم: علل تروریسم دارای ابعاد داخلی و بین‌المللی است. یک دموکراسی پایدار و به‌خوبی توسعه‌یافته ممکن است با تولید یک تهدید تروریستی داخلی مواجه نشود، اما دخالت‌های خارجی یا سیاسی و حضور اقتصادی و فرهنگی ممکن است تروریسم را از خارج تحریک نماید. اهداف برخی از تروریست‌های جدید (القاعده و انشعاب‌های آن) واژگونی نظام بین‌الملل با تصور ظهور تسلط غرب بر جهان اسلام است. یکی از منابع نگرانی در سطوح نظام بین‌الملل، دولت‌های ضعیف هستند چه آنهایی که فروپاشیده‌اند و چه آنهایی که در درگیری‌های وسیع مدنی گرفتارند. تعدادی از حکومت‌های شکننده که یا فاقد دولت مرکزی هستند و یا دولت مرکزی توانایی کنترل قلمرو و سرزمین خود را ندارند به میزبانانی برای توطئه‌گران افراطی تبدیل می‌شوند که هر دو اینها مانع ثبات و صدور تروریسم به دیگر کشورها و مناطق می‌شوند. درگیری‌های داخلی طولانی مدت و بی‌ثباتی، موج‌های از آوارگان و مهاجران را ایجاد می‌کند که شرایط و پناهگاه مناسبی برای تروریست‌ها محسوب می‌شود. در نتیجه این شرایط یک مشکل جدی را برای نظام بین‌الملل ایجاد می‌کند (Crenshaw, 2005: 15).

^۱ - Weimann and Brosius

ایدئولوژی و تروریسم: ایدئولوژی‌ها برای دستیابی به قدرت مورد استفاده قرار می‌گیرند (Lindberg, 2010: 2). ویلکینسون استدلال می‌کند که تبیین تروریسم باید در چهارچوب اجتماعی، ایدئولوژی و اعتقاد تروریست‌ها متمرکز باشد. وی اظهار می‌دارد که قوی‌ترین ابزار برای درک تروریسم کشف انگیزه‌های تروریسم و ارتباط آن با تاریخ، فرهنگ، ایدئولوژی و اهداف گروه‌های درگیر است. از این‌رو این پدیده را باید در رابطه با زمینه اجتماعی که در آن رخ می‌دهد مورد مطالعه قرار داد. اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت آن است که مهمترین و خطرناک‌ترین حملات تروریستی (حملات انتحاری) توسط گروه‌های با ایدئولوژی مذهبی انجام شده است. در نظر بسیاری از پژوهشگران، دکترین مذهبی یک ابزار بسیج یا توجیهی برای تروریست‌ها محسوب می‌شود تا یک علت مستقیم؛ اما استفاده گروه‌های مانند لشکر طیب و جنبش محمد که هر دو تحت تأثیر آموزه‌های مکتب دیوبندی قرار دارند از جوانان کم‌سواد در حملات انتحاری، یک روش گسترده در افغانستان، پاکستان و هند به‌شمار می‌آید (Gordon, 2005: 3). از نظر این گروه‌ها حملات تروریستی نوعی وظیفه مذهبی برای محافظت از مسلمانان حتی در خارج از سرزمین‌شان به‌شمار می‌آید (Ibid). بنابراین اگرچه ایدئولوژی مذهبی تنها دلیل حملات تروریستی [انتحاری] نمی‌باشد اما در برخی از مواقع آن را وخیم‌تر می‌کند (Juergensmeyer, 2005: 27).

در مجموع از دلایل ریشه‌ای شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها می‌توان به مواردی مانند: ضعف دموکراسی، فقدان حاکمیت قانون، ضعف حکومتداری مناسب، فقدان عدالت اجتماعی، حمایت از رژیم‌های نامشروع، توزیع نابرابر ارزش‌ها، تجربه‌های تاریخی درگیرهای خشونت آمیز، دولت‌های ورشکسته، حفره‌های دولتی و خارج از کنترل (Schmid, 2005: 133)، هژمونی در نظام بین‌الملل، جهانی‌شدن فرهنگ و اقتصاد و مدرنیسم مخرب (Bryniar, 2004: 71). اشاره کرد. در این میان ایران از جمله کشورهای است که تحت تأثیر تروریسم و حملات تروریستی قرار دارد. این امر در نواحی حاشیه‌ای و مرزی بسیار شدیدتر است. یکی از مهمترین این مناطق جنوب شرق کشور است. در مورد دلایل شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها در این منطقه از کشور نقطه نظرهای مختلفی ارائه شده است. مؤسسه تحقیقات

دفاع نیروزی در گزارشی با عنوان مخالفت اسلام‌گرا در جمهوری اسلامی؛ جندا... و گسترش دیوبندی افراطی در ایران؛ عامل اصلی شکل‌گیری گروهک تروریستی جندا... در جنوب شرق ایران را ناشی از تنش‌های خشونت‌آمیز مذهبی تحت تأثیر آموزه‌های مکتب دیوبندی و همچنین ظهور ناسیونالیسم بلوچ می‌داند (Kolstad Wiig, 2009: 21). همچنین در داخل کشور اظهار نظرهای در مورد حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای از گروهک‌های تروریستی بیان می‌شود. اگرچه تمام این عوامل در شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی در جنوب شرق کشور تأثیرگذار بوده است. اما تأکید به یک و یا چند عامل به‌تنهایی نمی‌تواند تحلیل جامع از شکل‌گیری پدیده تروریسم در این منطقه از جغرافیای کشور ارائه دهد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که تحلیل جغرافیایی (مکانی - فضایی) برای تشخیص علل شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها در جنوب شرق کشور بتواند در کنار سایر تحلیل‌ها کمک مؤثری در تحلیل همه‌جانبه این پدیده بنماید.

۳- روش تحقیق

روش مطالعه این پژوهش، تحلیلی- توصیفی و مبتنی بر استدلال است. در جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های گوناگون استفاده شده است و به‌طور کلی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و داده‌های آماری مراکز مختلف و وبسایت‌های علمی می‌باشد. در این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن تلاش شده است به اندازه کافی از نقشه نیز استفاده شود.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- زمینه‌های جغرافیایی مؤثر در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در جنوب

شرقی کشور

قسمت اعظم جنوب شرق ایران را استان سیستان و بلوچستان دربرگرفته است. سیستان و بلوچستان وسیع‌ترین استان ایران است که ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع وسعت دارد (www.imo.org.ir) از این مجموع ۱۴۰۲۴ کیلومتر مربع آن به سیستان در شمال و ۱۷۳۴۷۸

کیلومتر بقیه به بلوچستان در جنوب تعلق دارد (Kavianirad, 2010: 255). مرکزیت بخش شمالی را شهرستان زابل تشکیل می‌دهد و مرکزیت ناحیه فرهنگی بلوچستان که تصور عمومی از آن با قاچاق مواد مخدر، فقر، خشکسالی و ناامنی پیوند خورده (Pourmousavi and et al, 2008: 83) را زاهدان در اختیار دارد.

۴-۱-۱- جغرافیای طبیعی

این منطقه دارای ویژگی‌های طبیعی می‌باشد که فضای مناسبی را برای فعالیت تروریست‌ها فراهم آورده است.

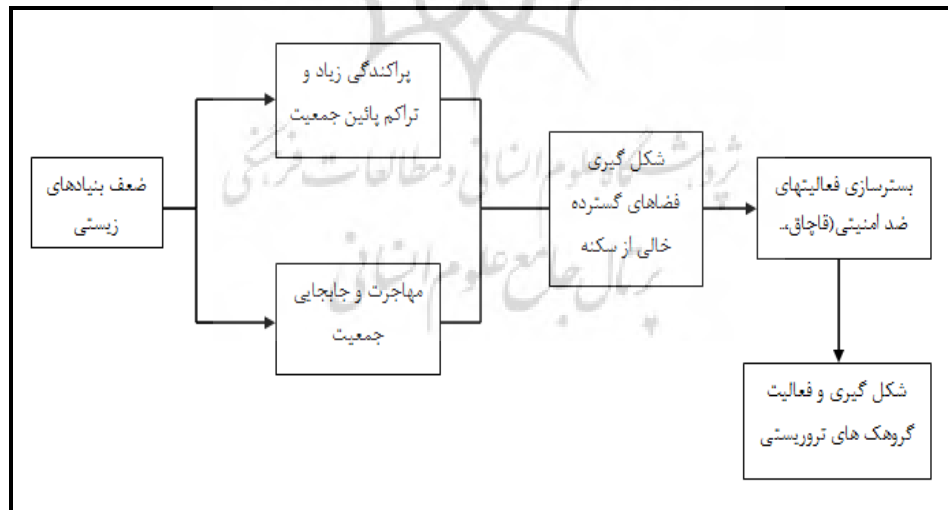
الف: بنیادهای زیستی ضعیف

حیات انسانی و امکان زیست گروه‌های انسانی در فضاهای جغرافیایی و قلمرو دولت‌ها و کشورها، مستلزم وجود زیربنای آب و خاک و آب و هوای مساعد و نظایر آن است (Hafeznia, 2007: 92). در واقع بنیادهای زیستی در شکل‌گیری، گسترش، تکامل و بقای حیات اجتماعات انسانی تأثیر زیادی دارند (Hafeznia, 2002: 76-75). مجاورت جنوب شرق کشور با کمربند بیابانی کره زمین و قرارگیری در منطقه گرم و خشک، موجب گرمای شدید، خشکسالی، کم‌آبی و در نتیجه ضعف بنیادهای زیستی در این ناحیه از کشور شده است. در واقع بنیادهای زیستی در جنوب شرقی کشور اعم از آب، خاک و پوشش گیاهی در ضعیف‌ترین شرایط قرار دارند. به طوری که بارندگی سالانه در ناحیه سیستان کمتر از ۶۵ میلیمتر می‌باشد، در حالی که میزان تبخیر در آن قریب به ۵۰۰۰ میلیمتر در سال است (Ebrahimzadeh, 2000: 84). همچنین میزان بارندگی در ناحیه بلوچستان از ۱۱۵ میلیمتر کمتر است، رودخانه‌های این منطقه نیز به صورت فصلی و موقت بوده و در نتیجه منابع آب زیر زمینی با محدودیت مواجه هستند (Nagarsh and Khosravi, 2000: 301). علاوه بر این خاک‌های سیستان و بلوچستان تحت تأثیر شدید فرسایش بادهای قرار دارند، این امر موجب محدوده شدن دوره رشد گیاهان گردیده در نتیجه سطح خاک‌های حاصلخیز را

می‌فرساید (Ebrahimzadeh, 2009: 93). در مجموع ضعف شرایط زیستی در این منطقه موجب تراکم کم و پراکندگی زیاد جمعیت و همچنین مهاجرت بویژه از مناطق روستایی به شهرها و سایر استان‌ها شده است که با خشکسالی‌های پی‌در پی چند سال اخیر بر شدت آن افزوده شده است. این امر موجب شکل گرفتن فضاهای خالی از سکنه گسترده در جنوب شرق کشور شده است، این فضاهای خالی و گسترده بستر مناسبی را برای فعالیت‌های ضد امنیتی از جمله قاچاق مواد مخدر، شرارت و ... فراهم آورده است؛ زیرا که بین وجود یا نبود جمعیت و امنیت ارتباط مستقیمی وجود دارد. در نهایت وجود این شرایط مکانی - فضایی در این ناحیه از کشور شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی را تسهیل نموده است. بنابراین ضعف بنیادهای زیستی در جنوب شرق کشور با متغیرهای واسطه‌ای تراکم پائین، پراکندگی زیاد جمعیت، مهاجرت و وجود فضاهای خالی گسترده زمینه‌ساز فعالیت‌های ضد امنیتی گروهک‌های تروریستی می‌باشد.

مدل شماره ۱: ارتباط بین ضعف بنیادهای زیستی با شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی در

جنوب شرق ایران



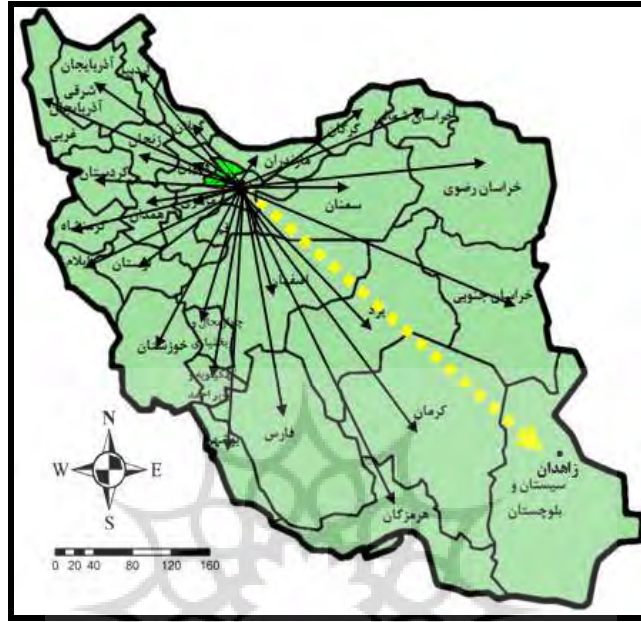
ترسیم از: نگارندگان

ب: توپوگرافی و وجود عوارض جغرافیایی گسترده

در جنوب شرق ایران عوارض ژئومورفولوژیکی^۱ و جغرافیایی متعددی وجود دارد که از جمله مهمترین آنها می‌توان به بیابان‌ها، کویرها، کوهستان‌ها و حوضه‌های آبریز اشاره کرد. دشت لوت با وسعتی در حدود ۵۴ هزار کیلومتر مربع، از گرمترین و خشک‌ترین بیابان‌های ایران و بلکه جهان است. شکل آن تقریباً به صورت بیضی شکل با امتداد شمالی-جنوبی می‌باشد، طول آن حدود ۹۰۰ کیلومتر و بیشترین پهنای آن در حدود ۲۴۰ کیلومتر است (Alaee Taleghani, 2003: 303). توده تفتان به صورت یک توده کوهستانی ضخیم و عریض در شمال شهر خاش خودنمایی می‌کند که بلندترین قله آن ۳۹۴۱ متر ارتفاع دارد (Ebrahimzadeh, 2009: 73). همچنین کوه‌های مکران دنباله ارتفاعات باقیمانده بندرعباس می‌باشند که پس از عبور از جنوب اسفندقه و کهنوج به سمت بلوچستان رسیده و در نهایت مسیر خود با ارتفاعات پاکستان وصل می‌شود، این ارتفاعات صعب‌العبور بوده و دره‌های آن پریپچ و خم و گمراه کننده می‌باشند (Darvishzadeh, 1991: 226). وجود این عوارض جغرافیایی گسترده و توپوگرافی خشن قدرت مانور گروهک‌های تروریستی و اشرار مسلح را در این منطقه افزایش داده؛ به طوری که شناسایی و تعقیب تروریست‌ها را در این منطقه بسیار دشوار کرده است. در واقع تروریست‌ها و اشرار از این عوارض جغرافیایی برای اختفاء، استتار و فرار از چنگ نیروهای انتظامی و اطلاعاتی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر گسترده‌گی عوارض جغرافیایی و توپوگرافی خشن، امکان شناسایی تمام بسترهای و لایه‌های فضای جغرافیایی جنوب شرق کشور را برای نیروهای حکومتی تقریباً مشکل ساخته است. در واقع جنوب شرق کشور از حیث ویژگی‌های فضای جغرافیایی (گسترده‌گی، تنوع و خشونت) مکان مناسبی برای فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی محسوب می‌گردد.

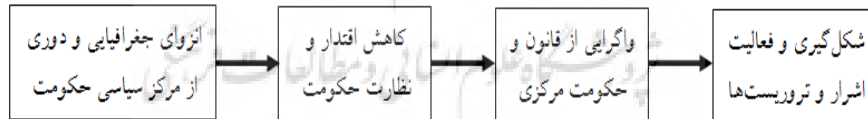
ج: انزوای جغرافیایی و دوری از مرکز سیاسی حکومت

نظام سیاسی نیازمند ارتباطات مناطق مختلف با هم و از مرکز سیاسی با نواحی پیرامونی است. فاصله عامل گریز از مرکز به شمار می‌رود که اثرگذاری آن در تقویت نیروهای گریز از مرکز به وسعت و شکل کشور بر می‌گردد (Dikshit, 1994: 170). «بعد بزرگ مسافت میان بلوچستان با سایر نواحی کشور، وجود دشت‌های لوت و کویر نمک که ۱.۴ مساحت کشور را تشکیل می‌دهند و میان بلوچستان و استان‌های شمالی و مرکزی فاصله انداخته است و اندک بودن سکونتگاه‌ها میان استان سیستان و بلوچستان و استان‌های همجوار، عملاً موجبات انزوای جغرافیایی بلوچ‌های ایران را فراهم آورده است. در حالی که زاهدان میان ۳۱ مرکز استانی، بیشترین فاصله را با مرکز سیاسی کشور (۱۶۰۵ کیلومتر) دارد، (نقشه شماره ۱) چابهار و کنارک نیز دورترین شهرستان کشور به تهران هستند. این در حالی است که متوسط فاصله سکونتگاه‌ها در استان، ۶ کیلومتر است که سه برابر متوسط ملی است. در واقع بلوچ‌ها حتی در بلوچستان نیز انزوای جغرافیایی را لمس می‌کنند (Karimipour and Mohamadi, 2009: 73-74). واقعیت آن است که در جغرافیای سیاسی ایران، فاصله جغرافیایی همواره دارای کارکرد سیاسی - امنیتی بوده است. در گستره سرزمینی ایران با افزایش فاصله از اقتدار و حاکمیت حکومت کاسته می‌شود و این امر در نواحی حاشیه‌ای و مرزی به حداکثر خود می‌رسد، این کاهش توانایی در کنترل، مدیریت و نظارت بر نواحی دور افتاده زمینه را برای واگرایی از قانون و حکومت مرکزی فراهم می‌آورد که یکی از نتایجش شکل‌گیری و فعالیت اشرار و گروهک‌های تروریستی است. جنوب شرقی ایران، یکی از این مناطق است که فاصله و انزوای جغرافیایی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی تأثیر زیادی داشته است.



نقشه شماره ۱: اهمیت سیاسی فاصله جغرافیایی
ترسیم از: نگارندگان

مدل شماره ۲: تأثیر انزوای جغرافیایی در شکل‌گیری و فعالیت‌های تروریست‌ها در جنوب شرق ایران



۴-۱-۲ - جغرافیای انسانی

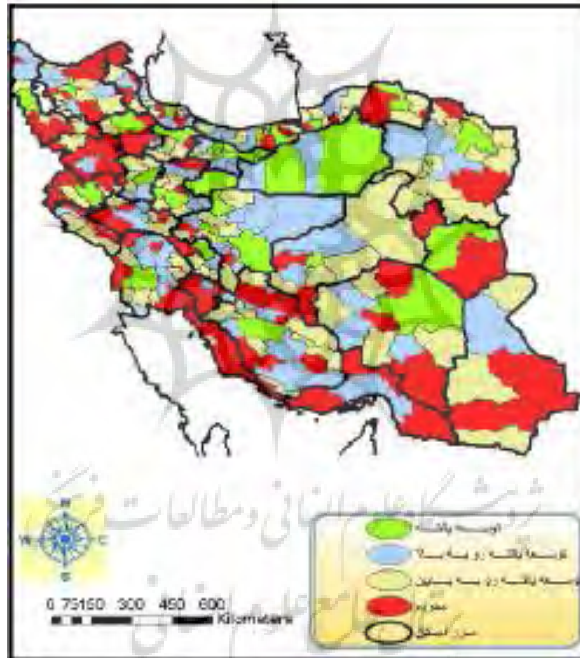
جغرافیای انسانی جنوب شرق کشور که شامل جغرافیای جمعیت، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد، یا تحت تأثیر جمعیت ساکن در آن و ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی ساکنان آن شکل گرفته است و یا به وسیله سیاست‌های حکومت مرکزی در زمینه میزان در اختیار گذاشتن امکانات، خدمات و تسهیلات در منطقه ایجاد شده است. پاره‌ای از این ویژگی‌های جغرافیای انسانی زمینه‌ساز شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی را فراهم آورده است.

الف: توسعه نامتوازن منطقه‌ای

شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی حاکی از آن است که ایران دارای ساختار فضایی مرکز-پیرامون هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است (Hafeznia, 2002: 186). برخی مطالعات انجام شده عدم تعادل و شکاف نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور را حتی بیشتر از ۱۰ برابر دانسته و اعلام می‌کنند که در توسعه کشور الگوی مرکز-پیرامون حاکمیت شدیدی دارد، به طوری که بیشتر شهرستان‌های عقب مانده در نواحی حاشیه‌ای و مرزی کشور واقع شده‌اند (Kalantari, 1988: 193). براساس پژوهشی که توسط معاونت مدیریت نظارت راهبردی ریاست جمهوری با عنوان «شناسایی نواحی کمتر توسعه‌یافته» انجام شده است، برخوردارترین استان، استان تهران است که تمام شهرستان‌های آن جزء برخوردارترین‌ها قرار دارند و محرومترین استان کشور، استان سیستان و بلوچستان محسوب می‌شود. همچنین در تحقیقی با عنوان «کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی شهری - منطقه‌ای در ایران» ۳۵ شاخص در مؤلفه‌های آموزشی، اقتصادی-اجتماعی، اشتغال، بهداشتی، ارتباطات و جمعیتی بررسی شده که بر این اساس هیچ یک از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان توسعه یافته کامل محسوب نمی‌شوند. علاوه بر این در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ فاصله سطح توسعه‌یافتگی و نابرابری بین استان تهران (توسعه‌یافته‌ترین) و استان سیستان و بلوچستان (محروم‌ترین) در مناطق شهری ۱۵۷.۳ درصد و در مناطق روستایی ۱۰۰.۸۸ درصد افزایش یافته است (Ziari & et al, 2010: 200).

این عدم تعادل منطقه‌ای آثار و عواقب زیانبار فراوانی برای کشور به دنبال دارد که از جمله مهمترین آنها می‌توان به افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی-اجتماعی، ادامه روند مهاجرت، افزایش فرایند واگرایی و مرکزگریزی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، عدم بهبودی در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه بخشهای وسیعی از جنوب شرق کشور، اشاره کرد (Ahmadypour & et al, 2007: 26). این عوامل به‌طور طبیعی زمینه‌ساز شکل‌گیری و فعالیت اشراار و گروهک‌های تروریستی مخالف حکومت

می‌شود. در واقع امنیت و توسعه در مناطق مرزی و حاشیه‌ای (جنوب شرق) با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دو سویه با یکدیگر می‌باشند؛ به عبارت دیگر، توسعه و امنیت تأثیرات متقابلی بر هم دارند، به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه، تأثیرهای مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس (Zarghani, 2007: 173-174). در مجموع می‌توان گفت ناامنی و فعالیت‌های اشرار و گروهک‌های تروریستی در این منطقه تا حدودی ناشی از سطح پائین توسعه و پیامدهای ناشی از آن مانند: فقر، احساس تبعیض، واگرایی از حکومت مرکزی، بی‌اعتماد به سیاست‌های نظام، نارضایتی عموم، قاچاق و ... می‌باشد.



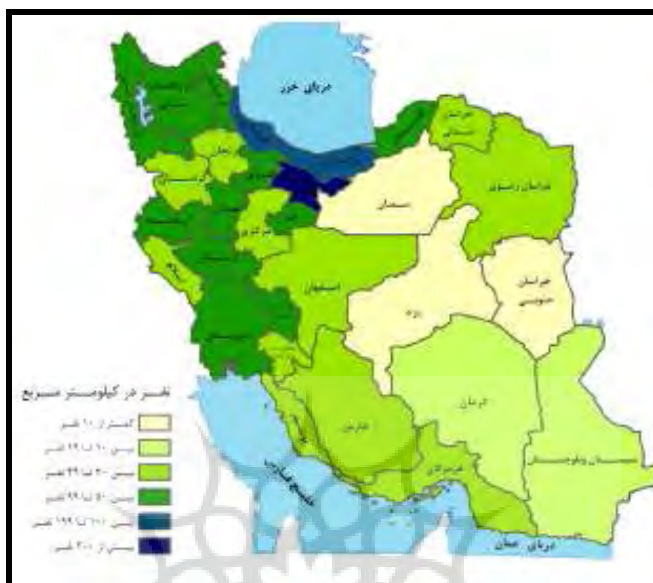
نقشه شماره ۲: توزیع فضایی سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های ایران
(Ebrahimzadeh and et al 2010: 21)

ب: ویژگی‌های جمعیتی

تعداد، تراکم و کیفیات جمعیت زمینه اساسی همه مطالعات جغرافیایی را تشکیل می‌دهند،

علاوه بر این مطالعه پراکندگی جمعیت محوری اساسی برای جغرافیدانان ناحیه‌ای و زمینه‌ای برای همه مطالعات جغرافیایی فراهم می‌کند (Mahdavi, 2006: 3). پاره‌ای از ویژگی‌های جمعیتی (کمی و کیفی) در جنوب شرق کشور به‌طور غیرمستقیم در فعالیت گروهک‌های تروریستی مؤثر می‌باشند. میزان تراکم جمعیت در استان‌ها و مناطق جنوب شرقی کشور بسیار پائین است به‌طوری که میزان تراکم جمعیت در استان خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان به ترتیب ۷، ۱۳، ۱۵ و ۲۰ نفر می‌باشد. این در حالی است که میزان تراکم متوسط در کل کشور ۴۳ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد (Statistical Center of Iran, 2006). از آنجایی که شایع‌ترین عامل تأثیرگذار در گستره سرزمینی مناطق دولت، نبود یا پراکندگی جمعیت در آن مناطق است؛ مناطق غیرمسکونی، سکونتگاه‌های پراکنده در ارتباطات و مراودات درون سرزمینی کارکرد منفی دارند (Hafeznia, and Kavianirad, 2006: 20) و بسترساز فعالیت‌های ضدامنیتی و غیرقانونی می‌باشند. علاوه بر تراکم پائین جمعیت، تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ این منطقه مانند: زاهدان، زابل، بیرجند، کرمان، و توزیع نامتعادل در منطقه باعث شده است که پهنه‌های وسیعی از منطقه جنوب شرق خالی از سکنه باشد که این امر زمینه مساعدی را برای فعالیت تروریست‌ها فراهم می‌آورد.

از دیگر ویژگی‌های جمعیتی منطقه جنوب شرقی کشور، مهاجرت است. مهاجرت یکی از مهمترین عواملی است که باعث کاهش جمعیت و خالی شدن نواحی در جنوب شرق کشور شده و نتیجتاً فضا را برای فعالیت اشراک و تروریست‌ها فراهم آورده است. در این میان مهاجرت از مناطق روستایی شدت بیشتری دارد و برای استان سیستان و بلوچستان که بیش از ۵۰ درصد جمعیتش را روستائیان تشکیل می‌دهد، بیشتر هویدا است. از این‌رو وجود جمعیت‌های پراکنده و حضور ناپایدار جمعیت‌ها در مناطق مرزی جنوب شرق کشور از نظر امنیتی زمینه را برای تردهای غیرمجاز مرزی، فعالیت اشراک و قاچاقچیان و گروه‌های معاند و ... فراهم کرده و بر امنیت منطقه جنوب شرق کشور تأثیر منفی گذاشته است.



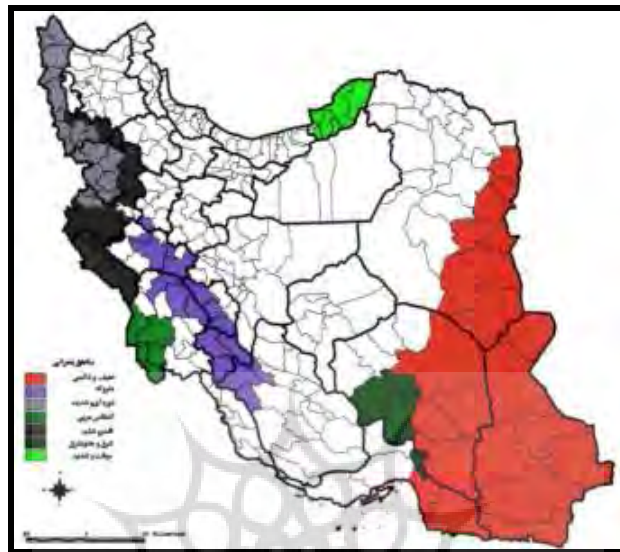
نقشه شماره ۳: تراکم جمعیت در سطح کشور (Statistical Center of Iran, 2006)

علاوه بر ویژگی‌های کمی جمعیت، استان سیستان و بلوچستان از لحاظ ویژگی‌های کیفی جمعیت نیز شرایط مناسبی را دارا نمی‌باشد. به طوری که با نرخ باسوادی ۶۸.۱ درصد در بین استان‌های کشور پایین‌ترین میزان باسوادی را به خود اختصاص داده است (Statistical Center of Iran, 2006). میزان بالای بی‌سواد و کم‌سواد در کنار فقر و ضعف اقتصادی موجب تحت تأثیر قرار گرفتن ساکنان منطقه در مقابله تبلیغات معاندان جمهوری اسلامی و تفکرات وهابیون و هم‌چنین روی آوردن به فروش و ترانزیت مواد مخدر می‌شود. به طوری که تقریباً تمام اعضای گروهک‌های تروریستی جنوب شرق کشور افرادی بی‌سواد یا کم‌سواد می‌باشند. بنابراین این ویژگی‌های جمعیتی موجب فضا سازی برای فعالیت تروریست‌ها می‌شود.

ج- تفاوت قومی - مذهبی با حکومت مرکزی

ایران به لحاظ قومی و حتی مذهبی کشوری ناهمگن به‌شمار می‌آید و اقلیت‌های قومی (ترک،

کرد، بلوچ، عرب و ترکمن) و مذهبی(اهل سنت) به لحاظ جغرافیایی در نواحی حاشیه‌ای و مرزی قرار دارند. ناحیه اصلی سکونت و استقرار قوم بلوچ شامل قلمرو پیوسته‌ای شامل ایالت بلوچستان پاکستان، گوشه جنوب باختری افغانستان و استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. علاوه بر این بلوچ‌ها در شهرستان‌های نهندان، بیرجند، سرخس و خواف جمعیت زیادی را تشکیل داده و در شهرستان جاسک اکثر قریب به اتفاق جمعیت را تشکیل می‌دهند. خاور شهرستان کهنوج نیز بلوچ‌نشین است (Karimipour and Mohamadi, 2009: 69-70). بنابراین جنوب شرق ایران در سه عنصر مذهب، زبان و قومیت متفاوت از سایر نقاط مرکزی است و جزء منطقه بحرانی بالقوه درجه ۱ محسوب می‌گردد، فقط در زابل غلبه با مذهب تشیع است که جزء منطقه بحرانی بالقوه درجه ۲ محسوب می‌شود (Pishgahi Fard and Omidi Avaj, 2009: 57). در واقع عوامل واگرایی سنتی قوم بلوچ که شامل قومیت، مذهب، زبان و انزوای جغرافیایی است در کنار توسعه اقتصادی ضعیف و احساس محرومیت، واگرایی قوم بلوچ را از حکومت مرکزی شدت بخشیده است. علاوه بر این با افزایش تمرکز در جمهوری اسلامی ایران و تشدید قرائت مرزبندی با اهل سنت بویژه پس از پایان جنگ و به موازات آن اوجگیری جریان بنیادگرایی سنی در کشورهای همسایه شرقی، بی‌اعتمادی بین نظام و مردم و بین اقوام و مذاهب در بین بلوچ‌ها فزونی گرفت. پیامد این بی‌اعتمادی‌ها و مرزبندی‌ها، احساس تحقیر و تضعیف بوده و در نتیجه شکاف‌های اجتماعی آن هم، حول قومیت و مذهب بیش از پیش شدت یافته است (Hosseini, 2006: 6). بنابراین شهرهای شرقی و جنوب شرقی با نزدیکی به مرزهای ملی و قومی، هرگز در امنیت کامل نبوده و ناامنی و تهدید (به‌طور آشکار و پنهان) از عوارض و ویژگی‌های ثابت آن بوده است (Ibrahimbaysalami, 2006: 77). این امر موجب شده که ناحیه پراکندگی قوم بلوچ به‌طور نسبی منطبق با ناحیه بحران خفیف و دائمی در کشور باشد(نقشه شماره ۴).



نقشه شماره ۴: مناطق بحرانی در ایران (Office of Administrative Divisions, 1999: 177)

همان‌گونه که در نقشه شماره ۴ مشاهده می‌شود، این ناحیه گسترده‌ترین فضای سرزمینی را میان تمام نواحی بحران‌خیز در بر می‌گیرد. استان سیستان و بلوچستان، شرق استان‌های کرمان و هرمزگان، جنوب و حاشیه شرقی استان خراسان، در محدوده منطقه بحران‌خیز خفیف و دائمی قرار دارند. در مجموع می‌توان گفت وجود عوامل واگرایی قومی، مذهبی، زبانی، جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی بین قوم بلوچ و حکومت مرکزی و همچنین بی‌اعتمادی متقابل و عدم مشارکت قوم بلوچ در مدیریت سیاسی فضای سرزمینی خود زمینه را برای ایجاد فضای ملت‌هت و پرتنش فراهم آورده که در نتیجه این امر موجب سوء استفاده اشرار و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در منطقه می‌شود.

د: نظام قبیله‌ای و پیوند قومی - مذهبی با آن سوی مرز

وجه مشترک زندگی اجتماعی بلوچ‌ها نظام ایلیاتی بوده است. در بلوچستان «ذات» یا همان اصل و نسب تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی افراد و گروه‌هاست. اساس شکل‌گیری ذات، خون مشترکی است که در رگ‌های افراد وابسته به آن جریان دارد که نتیجه آن تعصب طایفه‌ای

است. دل‌بستگی و تعصب طایفه‌ای چنان در میان بلوچ‌ها عمیق است که خوشنامی و بد نامی، پیروزی و شکست، راستی و نادرستی فرد در امور گوناگون، پیش از آنکه برای او سبب سربلندی و سرافکندگی باشد در کارنامه خانوادگی ذات ثبت می‌شود (Kavianirad, 2010: 230). از پیامدهای امنیتی چنین ساختاری، حمایت قبیله و طایفه از افراد خود به هر قیمت در مقابل حکومت و نهادهای دولتی است. در واقع در چنین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، میزان پذیرش و مقبولیت دستورها و فرمان‌های رؤسای طوایف و مولوی‌ها از حاکمیت و دستورات حکومتی بیشتر است؛ چنین وضعیتی از نفوذ حکومت و کارگزاران حکومتی در میان مردم می‌کاهد (Qalibaf, 1996: 80). این امر از نظارت و اقتدار حاکمیت در این منطقه از فضای کشور می‌کاهد و زمینه را برای فعالیت‌های غیرقانونی فراهم می‌آورد. از نظر الگوی استقرار گروه‌های قومی نیز، گروه قومی بلوچ در جنوب شرقی ایران با نیمه دیگر هسته بلوچ‌نشین در پاکستان و افغانستان پیوستگی فضایی دارد (Hafeznia, 2002: 150-151). این ارتباط موجب شده که قوم بلوچ ایرانی با هم‌تایان خود در آن سوی مرز بسیار بیشتر از حکومت مرکزی و فارسی‌زبانان ایرانی ارتباط داشته باشد. به طوری که در آمارگیری نمونه‌ای که در سال ۱۳۶۵ در چابهار، پیشین، قصر هند و سراوان انجام شد، مشخص گردید که شمار بلوچ‌های ایرانی که به پاکستان مسافرت کرده بودند، ۱۶ برابر کسانی بود که به تهران سفر کرده و ۴ برابر افرادی بود که به زاهدان رفته بودند (Papoli yazdai, 1989). همچنین در نمونه‌گیری دیگری که طی سال ۱۳۷۰ در نواحی شهری بلوچستان انجام شده بود از ۲۳۰۰ پرسش‌شونده بلوچ، تنها ۷ درصد به تهران سفر کرده بودند، در حالی که تعداد سفرهای همین افراد به پیشاور و کوئته ۴۳ و ۵۸ درصد بود (Karimipour, 1992: 87) با توجه به اینکه دنباله‌های قومی و مذهبی قوم بلوچ در آن سوی مرز قرار دارد، در صورت واگرایی این گروه قومی از حکومت مرکزی و همگرایی با آن سوی مرز مشکلات امنیتی زیادی در جنوب شرق کشور ایجاد خواهد شد. علاوه بر این بی‌سوادی، فقر و ناتوانی دولت پاکستان در رسیدگی به منطقه بلوچستان سبب عقب‌ماندگی این ایالت شده است (Worldmar, 1997: 88). در نتیجه ارتباطات قومی در این منطقه افزایش پیدا کرده است. این امر موجب عبور و مرور غیرمجاز مرزی می‌شود و

کارکردهای امنیتی مرز را نادیده می‌گیرد که خود پیامدهای امنیتی متعددی برای حکومت دارد. در این میان امکان سوء استفاده دشمن از گروه قومی مرزنشین بلوچ و به‌کارگیری افرادی از آنان در عملیات خرابکارانه در پوشش‌های گوناگون و همچنین عبور اسلحه و اطلاعات را در بسیاری از مناطق مرزی این ناحیه از کشور افزایش می‌دهد.

ه: مرزی بودن و ضعف شبکه ارتباطی

استان سیستان و بلوچستان در میان استان‌های مرزی بیشترین میزان طول مرز را با همسایگان دارا می‌باشد. تمام طول مرزی ایران با پاکستان از طریق استان سیستان و بلوچستان برقرار می‌شود. طول مرز خشکی و آبی استان از شمال به جنوب شرق در مجموع ۱۲۶۰ کیلومتر است که تقریباً ۲۸۲ کیلومتر آن مرز ایران و افغانستان بوده و ۹۷۸ کیلومتر آن مرز ایران و پاکستان را تشکیل می‌دهد (Afshar Sistani, 1990: 729). تمامی شهرستان‌های استان به‌جز شهرستان نیک‌شهر، ایرانشهر و دلگان دارای خطوط مرزی هستند که در بین آنها سراوان طولانی‌ترین خط مرزی و زابلی محدودترین مرز خشکی برخوردار می‌باشند. از آنجایی که مرزها از ورود و خروج هرپدیده‌ای که در اعمال قدرت و حاکمیت کشور اخلاص ایجاد کند، جلوگیری می‌کنند، پشتیبان‌های محکمی برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور محسوب می‌شوند و هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظام داخل کشور اخلاص ایجاد نماید (Khettabi, 1995: 85). استان سیستان و بلوچستان نیز به‌دلیل در اختیار داشتن مرزی طولانی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. اما وجود صدها کیلومتر مرز خشکی با پاکستان و افغانستان در گسترده جغرافیای وسیع و نامساعد امکان کنترل مرز در این ناحیه از کشور مشکل ساخته است، به‌طوری که امکان عبور غیرقانونی از مرز امکان‌پذیر است. در میان اشرار، قاچاقچیان و تروریست‌ها از این ویژگی (مرزهای طولانی و قابل گذر) منطقه حداکثر استفاده را می‌کنند. به‌طوری که بعد از هر حمله تروریستی و گروگان‌گیری به سرعت از مرز خارج می‌شوند و به‌دلیل محدودیت‌های مرزی امکان تعقیب و دستگیری تروریست‌ها و اشرار توسط نیروهای انتظامی و اطلاعاتی مقدور

نمی‌باشد. از سوی دیگر شهرستان‌های زاهدان، خاش، سراوان، سرباز و سراوان که همگی جزء شهرستانهای مرزی استان سیستان و بلوچستان محسوب می‌شوند بیشترین فراوانی حملات تروریستی را شاهد بوده‌اند. بنابراین ارتباط مستقیمی بین مرزی بودن با میزان حملات تروریستی در جنوب شرق کشور مشاهده می‌شود (نقشه شماره ۵).



نقشه شماره ۵: توزیع فضایی مهمترین حملات تروریستی در جنوب شرق ایران* (ترسیم از: نگارندگان)

همچنین شبکه ارتباطی و حمل و نقل کشور، تحت تأثیر ساختار توپوگرافیک و گسیختگی‌های فضایی از یک سو و ساختار سیاسی متمرکز و نظام حکومتی مرکزگرا از سوی دیگر، از وضعیت مناسبی برای معاشرت و حشر و نشر ملی برخوردار نیست. در این الگو ارتباطات بین منطقه‌ای چندان مورد توجه واقع نشده است به همین دلیل حضور فعال مردم جوامع دور دست نظیر بلوچستان در این شبکه ارتباطی ضعیف است (Hafeznia, 2002:)

*در ترسیم این نقشه از اطلاعات دیکشنری اینترنتی ویکی پدیا استفاده شده است.

185). ضعف شبکه ارتباطی در استان سیستان بلوچستان در کنار ویژگی طبیعی منطقه جدایی‌گزینی و واگرایی این منطقه از کشور را تشدید کرده است.

۴-۲- ویژگی‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در جنوب شرقی کشور

اگرچه ویژگی‌های جغرافیایی جنوب شرق کشور زمینه‌ساز شکل‌گیری و فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی و اشرار بوده است. اما عوامل ژئوپلیتیکی به‌عنوان شاخص‌های برون‌زا و روبنایی نقش اجرایی و عملیاتی را در تولد و فعالیت تروریست‌ها در جنوب شرق کشور ایفا می‌کنند که در ادامه بحث مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: ژئوپلیتیک مواد مخدر

موقعیت جغرافیایی ایران به‌طور عام و استان سیستان و بلوچستان به‌طور خاص در کنار بزرگترین کانون کشت خشخاش و تولید مرفین و هروئین در جهان، در منطقه موسوم به هلال طلایی (افغانستان و پاکستان) قرار گرفته است. تک‌جداره بودن، کوتاهی مسیر و وجود فضاهای خالی نیز بخشی از امتیازات مسیر ایران است (Karimipour, 2001: 151). بنابراین جنوب شرقی کشور از مناطقی است که به‌شدت تحت تأثیر ژئوپلیتیک مواد مخدر و ناامنی‌های ناشی از آن قرار دارد. علاوه بر این استفاده ابزاری قدرت‌های جهانی از مواد مخدر علیه کشورهای مخالف با هدف تضعیف و جلوگیری از رشد و توسعه آنها، صورت دیگری از تأثیر قدرت‌زایی مواد مخدر در حوزه سیاست است (Mohamadi & Ghanji, 2006: 112). قاچاقچیان مواد مخدر برای رسیدن به سود و قدرت بیشتر، فعالیت‌شان را در قالب شبکه‌های بزرگ‌تر و در سطح وسیع دنبال می‌کنند. در چنین شرایطی است که اهداف قاچاقچیان از مسئله مالی فراتر رفته و وارد حوزه قدرت و سیاست شده و بعضاً در مقام ایجاد مزاحمت علیه حاکمیت برمی‌آیند (Ibid). در استان سیستان و بلوچستان نیز برخی از شرایط ناشی از ترانزیت مواد مخدر در شکل‌گیری و تقویت اشرار و گروهک‌های تروریستی مؤثر بوده‌اند این عوامل

عبارتند از:

- ۱- عبور کاروان‌های مسلح ترانزیت مواد مخدر از مرز و ایجاد درگیری با مرزبانان و نیروی انتظامی، ضمن وارد آوردن خسارت جانی و مالی بسیار، ناامنی را در منطقه تشدید کرده است؛
- ۲- از آنجایی که گردش مالی تولید، توزیع و انتقال مواد مخدر بعد از اسلحه بیشترین رقم را در جهان به خود اختصاص داده است و سودی در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار سالانه حاصل این تجارت مرگ است (World Drug Report, 2006: 22). اشرار و تروریست‌ها از عواید مالی ترانزیت و فروش مواد مخدر بهره فراوان می‌برند؛ نیروی جدید به خدمت می‌گیرند و اسلحه خریداری می‌کنند (Kirkup, 2008: 11) به همین دلیل است که اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر از تجهیزات و امکانات فوق مدرنی برخوردار هستند؛
- ۳- محرومیت استان سیستان و بلوچستان و نبود فرصت‌های شغلی، بستر مناسبی را برای روی آوردن افراد به قاچاق مواد مخدر فراهم کرده است. این امر موجب افزایش شمار معتادان و در نتیجه افزایش بزهکاری و ناامنی در سطح استان می‌شود.



نقشه شماره ۶: مهمترین مسیرهای ترانزیت مواد مخدر Source: UNODC

ب: دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

از جمله قدرت‌های منطقه‌ای که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در جنوب شرق ایران تأثیرگذار بوده‌اند دو کشور پاکستان و عربستان سعودی می‌باشند. با توجه به نقش پاکستان و عربستان در منطقه و همسانی برخی از آموزه‌های دیوبندی* و وهابیت در به چالش کشیدن آموزه‌های تشیع، این امر همواره یکی از نگرانی‌های جمهوری اسلامی بوده است. از آنجایی که اکثریت جمعیت جنوب شرق کشور را بلوچ‌های حنفی مذهب تشکیل می‌دهند، بسیاری از مولوی‌های بلوچ در خارج از کشور و در عربستان، هند و پاکستان تحصیل کرده‌اند. یکی از این مراکز جنبش دیوبندی و بنیاد دارالعلوم است و این طبعی است که طلاب خواه ناخواه از تعالیم و ذهنیات موجود در خصوص تشیع متأثر شوند. بخش عمده‌ای از هزینه سنگین این اقدامات را عربستان سعودی فراهم می‌کند. کیش وهابیت در پیوند با خانواده پادشاهی عربستان سعودی گسترش یافت و در افکار وهابیون، شیعیان با توجه به باورهایشان مشرک هستند. مولوی‌ها با توجه به اندوخته‌های علمی در کشوری که تحصیل کرده‌اند و نیز علمای مدعو پاکستانی جهت آموزش علوم دینی در بلوچستان ایران، بستر نفوذ آن افکار و آموزه‌ها را در شرق کشور فراهم می‌کنند. در نتیجه وارد شدن گروه‌هایی با گفتمان مذهبی به صحنه درگیری با نیروهای حکومتی و خلق حوادث تروریستی مانند: حملات انتحاری در مسجد امام علی (ع) و عزاداران حسینی در چابهار نشانگر اثربخشی اندیشه‌های مذهبی است. بهره‌گیری آنان از واژگان و اصطلاحات دینی و توجیه اقدامات خود با عنوان جهاد علیه جمهوری اسلامی و سیمائی شبیه به نیروهای طالبان و جهادی افغان و صحنه‌آرایی شبیه به القاعده، هیچ شکی در خصوص تأثیر آموزه‌های برون مرزی نمی‌گذارد (Kavianirad, 2010: 242). در واقع حملات انتحاری تروریستی جدید در جنوب شرق کشور نشان‌دهنده تغییر خشونت‌های بی‌هدف اشرار و قاچاقچیان به اهداف

* جنبش دیوبندی و بنیاد دارالعلوم مرتبط با آن در شهر دیوبند در استان اوتارپرادش هندوستان قرار دارد. مبانی جنبش دیوبندی عبارت است از پاکسازی اسلام از عناصر «ناپاک» آیین جهاد به‌عنوان یگانه راه مبارزه با کفر و شرک، شهادت و مبارزه با مذهب شیعه.

مذهبی و اعتقادی تروریست‌ها است که از سوی مدارس دینی پاکستان و عربستان تغذیه می‌شوند. قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا و اسرائیل نیز در افزایش توان و قدرت گروه‌های تروریستی جنوب شرق کشور تأثیر بسزایی دارند. عبدالمالک ریگی سرکرده گروهک تروریستی جندالله بعد از دستگیری در گفتگو با پرس تی وی اعتراف کرد که مقام‌های ناتو از وی خواسته‌اند تا فعالیت‌های تروریستی خود را از مرزها فراتر برده و به داخل ایران و از جمله داخل شهر تهران تسری دهد. ریگی همچنین اذعان می‌کند که این مقام‌ها آمریکایی و یا اسرائیلی بوده‌اند. (Aftabnews, 2010. 3.1) واقعیت آن است که آمریکا و اسرائیل از تمام نیروهای مخالف برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند و از تروریست‌های جنوب شرق کشور استفاده ابزاری می‌نمایند. به طوری که حمایت اطلاعاتی از تروریست‌های جنوب شرق کشور توسط این دو کشور امر اثبات شده‌ای است. عبدالمالک ریگی، در اعترافاتش به حمایت سازمان سیا و موساد از خود و قول این سازمان‌ها برای در اختیار قرار دادن پایگاهی در بیشکک، پایتخت قرقیزستان خبر داد. همچنین ریگی در خاتمه اعترافاتش به نقل از عوامل آمریکایی افزود، سیا آماده هرگونه همکاری در زمینه آموزش‌های نظامی و امنیتی با جندالله است. وی روش‌های آموزش شنود تلفنی، رایانه و روش‌های چگونگی به‌کارگیری ابزار و فن‌آوری لازم را در سطوح وسیع، از جمله این موارد بر شمرد (Ibid) بنابراین وجود حمایت اطلاعاتی، آموزشی، تجهیزاتی و همچنین اعتقادی و ایدئولوژیک توسط قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از عوامل برونزای مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت‌های تروریست‌های جنوب شرق کشور می‌باشند.

ج: ویژگی‌های کشورهای همسایه (افغانستان و پاکستان)

همسایه‌های شرقی ایران را دو کشور افغانستان و پاکستان تشکیل می‌دهند. در این دو کشور ویژگی‌های خاصی حاکم است که آنها را به دولت‌های ورشکسته^۱ (شکننده) تبدیل نموده است، به‌گونه‌ای که حکومت افغانستان فراتر از کابل وجود عینی و مشخصی ندارد (Ghrayaq Zandi, 2008: 18-19). به‌طور کلی شاخص‌های عمده دولت‌های ضعیف و ورشکسته عبارتند از:

۱- سطوح بالایی از خشونت سیاسی؛ ۲- کشمکش عمده سیاسی در ایدئولوژی سازمان‌دهنده دولت؛ ۳- فقدان هویت انسجام یافته ملی و حضور هویت‌های ملی و فروملی رقیب دولت؛ ۴- فقدان سلسله مراتب روشن و مشهود اقتدار سیاسی (Buzan, 2006: 122)؛ ۵- وجود حفره‌های دولتی و فقدان قلمرو مؤثر ملی؛ ۶- ساختار عشیره‌ای و قبیله‌ای و برتری هویت قومی بر هویت ملی؛ ۷- ضعف علت وجودی و بحران هویت. دو کشور افغانستان و پاکستان دارای چنین شرایطی هستند به طوری که هم‌اکنون ۲۵ گروهک تروریستی سازمان‌یافته در این دو کشور فعالیت می‌کنند (www.nationmastery.com). در واقع این دو کشور در سال‌های اخیر به‌عنوان مأمی برای شورشیان و تروریست‌ها بدل گشته است (Esmaili and Rezaei, 2009: 187) بنابراین از منظر جغرافیای تروریسم این دو کشور کانون جغرافیایی شکل‌گیری تروریسم در دنیا شناخته می‌شوند. دارا بودن مرزهای طولانی جمهوری اسلامی ایران با این دو کشور نیز موجب سرایت ناامنی‌ها و شرارت‌های گروهک‌های تروریستی واقع در این کشورها به ایران بوزه استان‌های شرقی و جنوب شرقی می‌شود. از سوی دیگر تروریست‌ها بعد از انجام حملات تروریستی در جنوب شرق کشور به افغانستان و پاکستان می‌گریزند که به دلیل ضعف حکومت این کشورها در کنترل فضای کشورشان نمی‌توانند (یا نمی‌خواهند) تروریست‌ها را دستگیر کنند. چیزی که مسلم است اگر همسایگان شرقی ایران کشورهای قدرتمند بودند و می‌توانستند تمام فضای سرزمینشان را کنترل کنند، قدرت مانور و فضای عملکرد تروریست‌ها در جنوب شرق ایران به شدت کاهش می‌یافت.

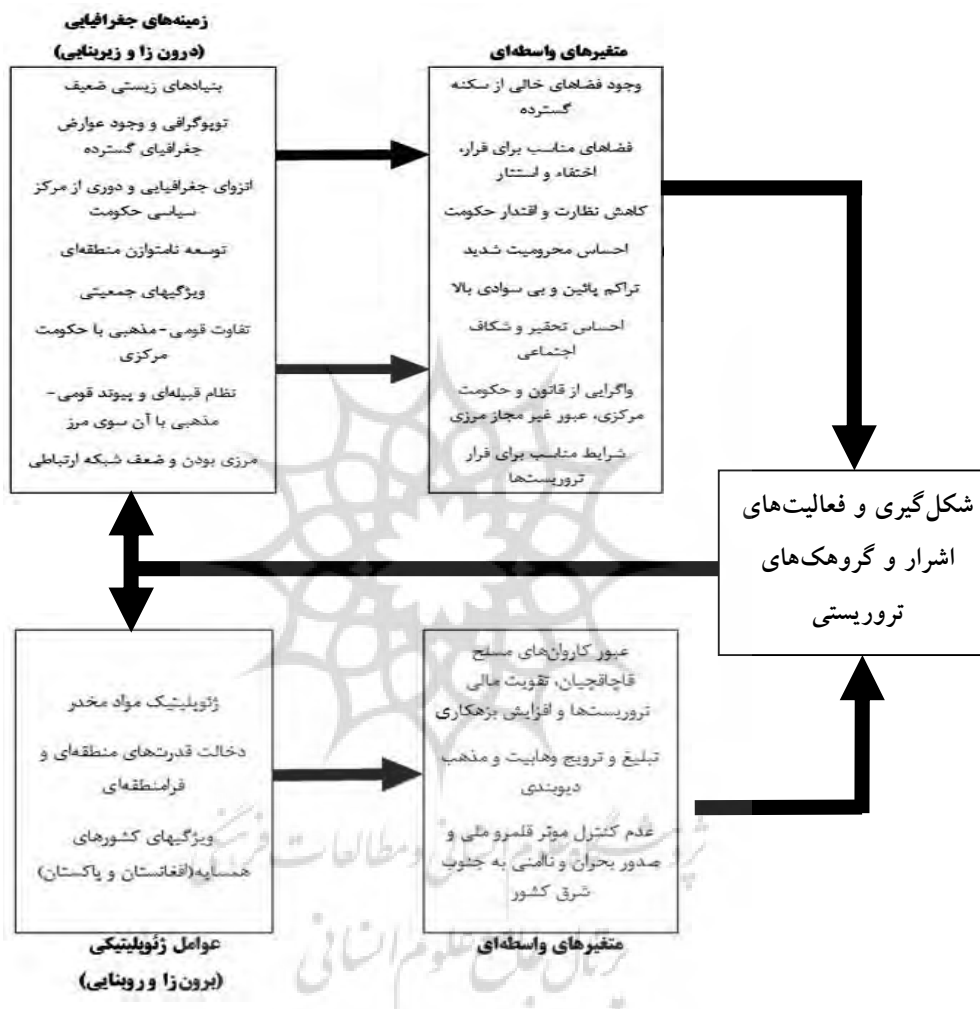
۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

تروریسم یکی از تهدیدات بزرگ دنیا در قرن بیست و یکم است. جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهای است که همواره در معرض خطرات حملات تروریستی بوده است. به طوری که می‌توان آن را یکی از قربانیان تروریسم در دنیا به حساب آورد. با بررسی جغرافیای تروریسم در سطح فضا‌های جغرافیایی کشور مشخص می‌شود بعضی از مناطق به دلیل زمینه‌های جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی و عوامل ژئوپلیتیکی که ناشی از شرایط منطقه می‌باشد، مستعد شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها و اشراک مسلح می‌باشند. یکی از مهمترین این مناطق جنوب شرقی کشور و

بوئژه محدوده استان سیستان و بلوچستان است. در این منطقه عوامل جغرافیایی (طبیعی و انسانی) که بسترساز شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها و اشرار می‌باشند عبارتند از: بنیادهای زیستی ضعیف، توپوگرافی و وجود عوارض جغرافیایی گسترده، انزوای جغرافیایی و دوری از مرکز سیاسی حکومت، توسعه نامتوازن منطقه‌ای، ویژگی‌های جمعیتی، تفاوت قومی - مذهبی با حکومت مرکزی، نظام قبیله‌ای و پیوند قومی - مذهبی با آن سوی مرز، مرزی بودن و ضعف شبکه ارتباطی. این ویژگی‌های جغرافیایی موجب شکل‌گیری شرایطی مانند: ایجاد فضاهای خالی از سکنه گسترده، فضای مناسب جهت اختفا و فرار، کاهش نظارت و اقتدار حکومت، احساس محرومیت شدید، احساس تحقیر و ایجاد شکاف اجتماعی، عبور غیرقانونی از مرز، واگرایی از قانون و حکومت مرکزی و بدبینی نسبت به سیاست‌های حکومت می‌گردد. در واقع این شرایط متغیرهای واسطه‌ای در شکل‌گیری پدیده تروریسم در جنوب شرق کشور می‌باشند. علاوه بر این ویژگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه که شامل ژئوپلیتیک مواد مخدر، دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و ویژگی‌های حکومت همسایه می‌باشد، موجب ایجاد ناامنی ناشی از ترانزیت مواد مخدر و عبور اشرار مسلح، تبلیغ و ترویج وهابیت و مکتب دیوبندی و همچنین صدور بحران و ناامنی از کشورهای همسایه (افغانستان و پاکستان) به جنوب شرق کشور می‌شود. نتیجه این عوامل ژئوپلیتیکی فضا سازی برای شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها در منطقه می‌باشد.

نکته‌ای که باید مورد توجه واقع شود این است که این عوامل در کنار یکدیگر و در مجموع موجب شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها شده است و هر یک از آنها در ارتباط با سایر عوامل تغذیه و تقویت می‌شوند. بنابراین شکل‌گیری پدیده تروریسم در جنوب شرق کشور معلول ترکیب زمینه‌های جغرافیایی به‌عنوان عوامل درون‌زا و زیربنایی و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی به‌عنوان عوامل برون‌زا و روبنایی می‌باشد.

مدل شماره ۳: زمینه‌های جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی



۸- قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از مساعدت‌های دانشگاه شیراز در انجام این پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

References

1. Ahmadypour, Zahra and et al (2007); Study of The Pace of Development of Political- Administrative Spaces In Iran Case Study: Iran's Provinces In 1st To 3rd Development Plans (1989-2004) Geopolitics Quarterly, Vol. 3, No. 7, Tehran [in Persian].
2. Afshar Sistani, Iraj (1990); Manifest Sistan, Morghaein Publication, Tehran [in Persian].
3. Alae Taleghani, Mahmood(2003);Geomorphology of Iran, Ghoomes Publication, Volume II, Tehran [in Persian].
4. Blomberg, S. Brock (2004); Economic Conditions and Terrorism, European Journal of Political Economy, vol 20 No.2.
5. Brynjar, Lia(2004); Causes of Terrorism : an Expanded and updated review of the Literature, Forsvarets Forsknings Institutt (FFI), Norwegian Defence Research Establishment.
6. Borine, Jacques (2005); Economic Analysis of Terrorism, Translation to Persian by: Alireza Tayeb, Volume II, Ney Publication, Tehran [in Persian].
7. Bozorgmehri, Majid (2008); United Nations Definition of Terrorism and A Look at Various Views of Authorities and Documentation on Terrorism, Quarterly Journal of Political Studies, Vol. 1, No. 2, Islamic Azad University Azadshahr Branch, [in Persian].
8. Buzan, Barry (2006); People, States and Fear, Translation to Persian by: Mojtaba Attarzadeh, Research Institute of Strategic Studies Pubilcation, RISS Publications, Tehran [in Persian].
9. Crenshaw, Martha (2005); Political Explanations, The International Summit On Democracy, Terrorism and Security, Addressing The Causes Of Terrorism. The Club De Madrid Series On Democracy and Terrorism, Madrid.
10. Crenshaw, Martha (1981); The Causes of Terrorism? comparative politics journal, The City University of New York Vol. 13, No.4. DOI: 0010-4/59/81/0715-0001/\$.0500/1.
11. Crenshaw, Martha (1983); Terrorism, Legitimacy and Power, Middletown, Connecticut: Wesleyan University Publication.
12. Darvishzadeh, Ali (1991); Geology Of Iran, Amir Kabir Publications, Tehran [in Persian].
13. Dikshit, Ramesh(1994); Political Geography. New Delhi.
14. Ebrahimzadeh, Issa (2009); Geographical Fundamental of Southeast of Iran, University of Sistan and Baluchestan Publications, Zahedan [in Persian].

15. Ebrahimzadeh, Issa(2000); City and Urbanization In Sistan and Baluchestan, Journal of Human Sciences, University of Sistan and Baluchestan, Serial No 10, Zahedan [in Persian].
16. Ebrahimzadeh, Issa and et al (2010); Factor Analysis Application In Explanation of Spatial Pattern of Developed and Under- Developed Urban-Regional In Iran, Journal of Geography and Development, No Serial. 17, Zahedan [in Persian].
17. Engene, Jan Oskar (2004); Patterns of Terrorism in Western Europe, Explaining The Trends Since 1950, Publishing by: Edward Elgar Publishing Limited Glensanda House.
18. Esmaeili, Bashir Rezaei, Ghasem(2009); Crises of Security Institutions In Afghanistan and Out of That Vista, Political and International Researches Quarterlly, No. 4, Islamic Azad University, Shahreza Branch [in Persian].
19. Gabriel Weimann and Hans-Bernd Brosius, (1988); The Predictability of International Terrorism: A Time-Series Analysis, Journal of Terrorism Vol. 11 No.6
20. Ghrayaq Zandi, Davod (2008); Surrounding Security Environment of Islamic Republic of Iran, Research Institute of Strategic Studies, Publications, Tehran [in Persian].
21. Gordon, Sandy (2005); Terrorist Motives: a note on 'suicide terrorism' in South Asia, ARC Centre of Excellence in Policing and Security, Regulatory Institutions Network (RegNet), The Australian National University.
22. Hafeznia, Mohammadreza (2002); Political Geography of Iran, SAMT Publication, Tehran [in Persian].
23. Hafeznia, Mohammadreza(2007); National Power And Interests (Sources, Concepts & Measurement Methods), Entekhab Publication, Tehran[in Persian].
24. Hafeznia, Mohammadreza, and Kavianirad, Morad (2006); The Role of Ethnic Identity In National Unity: A Case Study Of Baluch Ethnic Minority, Human Sciences Quarterlly Of University Isfahan, Vol.20, No 1, Isfahan [in Persian].
25. Hoffman, Bruce (2005); Security for a New Century, Washington D.C, briefing for Senate forgin Affairs Committee Staff.
26. Hosseini, Sayed Mahmood (2006); Sistan And Baluchestan: Insecurities And Roots, Journal of Iran Perspective, No. 38, Tehran[in Persian].
27. Huntington, Samuel (1991); Political Order, Translation to Persian by: Mohsen Salasi, Science Publication, Tehran [in Persian].
28. Ibrahimbaysalami, Ghlamheidar (2006); Geopolitical Situation and Social Insecurity Case Study: Khaf and Roshtkhar In The East of Iran, Geopolitics Quarterlly, Vol 2, No.3&4, Tehran [in Persian].
29. Juergensmeyer, Mark(2005); Addressing The Causes Of Terrorism Religion, The International Summit On Democracy, Terrorism And Security, The Club De Madrid Series On Democracy And Terrorism.

30. Kalantari, Khalil (1998); Identification of Retarded Areas in Iran, Geographical Research Quarterly, No. 48, Isfahan, [in Persian].
31. Karam Zadeh, Siamak (2003); Terrorism and Legitimate Defence In International Law, Human Sciences Modares, Vol. 7, No. 1, Tehran [in Persian].
32. Karimipour, Yadollah (2001); Introduction to Iran and its neighbors (the sources of tension and threat), Jahade Daneshgahi Tarbiat Moallem Publications, Tehran [in Persian].
33. Karimipour, Yadollah (1992); Geopolitical Analysis of The Critical Areas of Sistan and Baluchestan, Phd Thesis, Tarbiat Modarse, Tehran[in Persian].
34. Karimipour, Yadollah, Mohamadi, Hamid Reza(2009); The Geopolitics of Regionalism & Irans Administrative Division, Mirbagheri Publication, Tehran [in Persian].
35. Kavani-rad, Morad(2010); Regionalism In Iran From The Perspective of Political Geography, Research Institute of Strategic Studies Publications, Tehran[in Persian].
36. Kegley, Charles.w (1990); International Terrorism: Characteristics, Causes, Controls, Publisher: Palgrave Macmillan.
37. Khettabi, Gholamhossein (1995);Administration Boundary, Publications: Department Of Education Naja, Tehran [in Persian].
38. Kirk up, James (2008); Afghanistan Growing Drug Trade Will Prolong Conflict For Years Come", available at : [http:// www.rawa. org](http://www.rawa.org).
39. Kolstad Wiig, Audun(2009); Islamist opposition in the Islamic Republic Jundullah and the spread of extremist Deobandism in Iran, Norwegian Defence Research Establishment(FFI).
40. Lindberg, Miryam (2010); Factors Contributing to the Strength and Resilience of Terrorist Groups, Published by the Strategic Studies Group and also in Eurasia Review.
41. Luck, E(2003); Global Terrorism and the United Nations: A Challenge in Search of a Policy. "UnitedNations Commitee on Counter-Terrorism.
42. Mahdavi, Masoud, (2006); Principles of Population Geograpy, Payam Noor University Press, Tehran [in Persian].
43. Mohammadi, Hamid Reza, Ghonji, Ali (2006); Geopolitical Challenges of Narcotics In Southwest Asia: Case Studies: Iran, Afghanistan and Pakistan, Geopolitics Quarterly, Vol.2, No.1, Tehran [in Persian].
44. Motaghi, Ebrahim and et al (2009); Terrorism and The New Sociopolitical Movements, Serial No 39, Politics Quarterly: Journal of Faculty of Law and Political Science Quarterly, Tehran [in Persian].
45. Nagarsh, Hossein and Khosravi, Mahmood (2000); The Study of Agriculture Climate Sistan and Baluchestan, Research Deputy of The University of Sistan and Baluchestan, Zahedan [in Persian].

46. NCTC, (2012); Report on Terrorism 2011, National Counterterrorism Center, Office of the Director of National Intelligence, Washington, DC 20511
47. Office of Administrative Divisions of Interior Ministry (1999); General Plan of Administrative Divisions, Studies Summary of Study Groups, First Stage, Tehran [in Persian].
48. Papoliyazdai, Mohammad Hossein (1989); Economic- Political Consequences of No Palm Balochistan, Geographical Research Quarterly, No.13, Isfahan, [in Persian].
49. Pape, Robert A (2003); The Strategic Logic of Suicide terrorism, American Political Science Review, vol.97, No3, August.
50. Pishgahi Fard, Zahra, Omidi Avaj, Maryam(2009); Relationships Between Scattered Iranian Nations and Border Security, Geopolitics Quarterly, Vol. 5, No.1, Tehran[in Persian].
51. Pourmousavi, Sayed Mousa, and et al(2008); Political Organizing of Space And Cultural Areas And Functional In Iran, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No. 3, Tehran [in Persian].
52. Qalibaf, Mohammad Baqer (1996); Analyzing of Geographic Elements Role In Security Sistan-Baluchestan, Master's Thesis Political Geography, Tehran University, [in Persian].
53. Simbar, Reza (2006); Formation of International Cooperation In Confrontation With Terrorism: Strategies, Opportunities and Challenges, Research In Political Science, No 2, Tehran [in Persian].
54. Statistical Center of Iran (2006); General Census of Population and Housing Iran, Tehran [in Persian].
55. UNODC (2009); Addiction, Crime and Insurgency, The Transnational Threat Of Afghan Opium, Copyright © United Nations Office On Drugs And Crime, Vienna.
56. Vice President of Strategic Planning and Management (2006); Identify Areas of Less Developed, Tehran [in Persian].
57. Schmid, Alex P (2005); Root Causes of Terrorism: Some Conceptual Notes, a Set of Indicators, and a Model, Rout ledge, Democracy and Security.
58. Susan L. Cutter, (2003); the Geography of Terror, University of South Carolina.
59. Segre, D. V. and J. H. Adler,(1973); The Ecology of Terror, Journal of Survival: Global Politics and Strategy, Vol. 15, No. 4, DOI: 10.1080/00396337308441412.
60. Worldmar, Ker (1997); Encyclopaedia of culture & daily life.v.3 Asia and Oceania by timothy 10 Gall. (Bulach).
61. World Drug Report(2006); Office on Drugs and crime, United Nations Publication Vol. 22.
62. Wilkinson, Paul (2003); Terrorism: An International Research Agenda, Contemporary Research on Terrorism, Aberdeen University Publication.

63. Ziari, Keramat Elah And Et Al(2010); Geopolitical Challenges Of Unequal Development Of Regions In Iran 1996-2006, Geopolitics Quarterly, Vol 6, No. 1, Tehran[in Persian].
64. Zarghani, Sayed Hadi (2007); An Introduction to International Borders, University of Police Science Publication, Tehran [in Persian].
65. www.nationmaster.com/graph/ter_num_of_kno_ter_org_pre-number-known-terrorist-organizations-present. Number of Known Terrorist Organizations Present (most recent) by country.
66. www.aftab.ir, ۲۰۱۰/۳/۱
67. www.imo.org.ir / Ministry Portal.
68. www.infoplease.com.
69. www.fa.wikipedia.org.

